

”ره چنان رو که رهروان رفتند“

درباره

”سیاست ارزی جدید“

از: دکتر امیر هوشنگ امینی

انگیزه‌ارائه‌ی این گفتار کم یا بیش ناشی از اعلام سیاست ارزی جدید و به بیان دیگر پاسخی است هرچند کوتاه اما به تمامی پرسشهایی که اینجا و آنجا از سوی برخی اشخاص، بویژه دست اندرکاران صنعت و تجارت مبنی بر کارآیی و چگونگی تداوم این سیاست از نقطه نظر علمی - عملی عنوان می‌شود، بگذریم.

به نظر می‌رسد سرانجام کارگزاران امور، بویژه مسئولین اداره امور اقتصادی کشور که در واقع عمده‌ترین و اصلی‌ترین آنها در وزارت امور اقتصادی و دارائی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی خلاصه می‌شوند، با توجه به تجربه‌های بدست آمده از عملکرد سیاستهای پولی - مالی کشور طی سالهای گذشته، بویژه اولین دهه بعد از سال ۱۳۵۷ و به طور کلی عملکرد استفاده از تورم در سیاست اقتصادی سایر ممالک طی سالهای دهه شصت و هفتاد میلادی، پذیرفته باشند که استفاده از تورم به عنوان ابزار توسعه اقتصادی و برای نیل به هدفهای توسعه یا پیشرفت اقتصادی و یا مقابله با بیکاری، یا هر مشکل اقتصادی - اجتماعی دیگر، سالهاست که نه تنها بی‌اعتبار بودن آن آشکار گردیده و عاری از هرگونه وجهت علمی شناخته شده است، بلکه اقدامی مذموم و به زعم "پروفسور دکتر لودویگ ارهارد" (Prof. Dr. Ludwig Erhard) - وزیر اقتصاد آلمان، فدرال در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم در کابینه کنراد آدنائور (Konrad Adenauer) و پس از سیزده سال وزارت، صدراعظم آن کشور که بهر حال به معمار معجزه اقتصادی آلمان مشهور است نوعی جنایت است.

ارهارد^۱ بر این باور راسخ و درست بود که: "در تدوین

سیاستهای پولی - مالی، باید قدرت خرید پول ثابت نگاه داشته شود، زیرا در دوران بی ثباتی پول، ممکن نیست سیاست اقتصادی سالم دوام پیدا کند. لذا این تصور که دولت بتواند جریانی تورمی ایجاد کند و خود ازان مصون بماند، اشیاء محض است" (۱) ناگفته نماند که پیش از او "آلبرشت فورستمان" (Albrescht Forstman) نظریه پرداز پولی آلمان، نیز در دهه چهل به این باور دست یافته بود که در فرآیند توسعه اقتصادی برای افزایش رشد بهره‌وری باید به جای افزایش حقوق و دستمزد، قیمتها را کاهش داد.

اما بهر حال نکته‌ای که در اینجا درخور توجه است این که در دهه‌ی شصت و نیمه اول دهه‌ی هفتاد میلادی، کاهش ارزش برابری پول ملی از سوی برخی اقتصاددانان، به عنوان ابزار سیاست توسعه اقتصادی عنوان و ارائه شد، روشن است که این نظریه بی‌درنگ از سوی برخی کشورهای جهان سوم بویژه کشورهایی که با خزانه تهی روبه رو بودند مورد استقبال و استفاده قرار گرفت. در این دوره برخی اقتصاددانهای بزرگ نیز دچار این باور موهوم شدند که با استفاده یا اعمال تورم و به عبارت دیگر چاپ اسکناس و افزایش حجم پول در اختیار و در نهایت اعمال سیاستهای اصطلاحاً "نیساطی بودجه‌ای و لذا افزایش حقوق و دستمزد و سرمایه‌گذاریهای جدید، بویژه سرمایه‌گذاریهای بلندمدت و حمایت از صنایع و بازرگانی در برابر خارج می‌توان به مقابله با بیکاری برخاست و افزون بر این به توسعه یا پیشرفت اقتصادی - اجتماعی و حتی فرهنگی نیز نائل آمد. بدین سان بود که نظریه یا نوآوری جدیدی مبنی بر کاهش ارزش برابری پول ملی

در برابر انواع ارز مطرح و به عنوان یکی از عمده‌ترین و اصلی‌ترین ابزارهای سیاست توسعه اقتصادی وارد ادبیات اقتصاد توسعه شد و لذا پایه عرضه وجود نهاد، همانگونه که اشاره شد این نظریه به زودی از سوی تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه مورد استقبال قرار گرفت و لذا کارگزاران این کشورها با آگاهی کامل از ماهیت کار بی‌درنگ خزانه‌های خالی خود را با چاپ اسکناسهای جدید پر کردند.

بنابر این روشن است که مسئولین امور و کارگزاران این کشورها کلاً آگاه بودند که مبادرت به چاپ اسکناس و افزایش حجم پول در گردش، کاری جز کاهش ارزش برابری پول ملی در برابر انواع ارز و یا کاهش قدرت خرید آن و در نهایت ایجاد تورم نیست، اما آنها با استناد به نظریه‌ی تازه‌ای که در این زمینه عنوان شده بود، با پیروی از آن برای باور و تصور بودند که بهره‌گیری از این سیاست یا استفاده از تورم می‌تواند اقتصاد در مانده آنان را در مسیر توسعه قرار دهد و در نهایت بارور و شکوفاسازد. در حالیکه نگاهی به عملکرد اقتصاد کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که برخورد کشورهای پیشرفته صنعتی با این نظریه یا نوآوری تازه بسیار با احتیاط بوده است. بهر حال با نگاهی به عملکرد اقتصاد کشورهای در حال رشد ملاحظه خواهد شد که طی دوران مورد اشاره، با وجود صرف هزینه‌های فراوان و گاه سرمایه‌گذاریهای کلان، در تمامی زمینه‌ها اعم از تولید ناخالص داخلی واقعی، بدهی به خارج، افزایش قیمتها و در نهایت گسترش دامنه فقر یا فقیرتر شدن جامعه‌های آنان، معایب اساسی بکارگیری این سیاست و بهره‌گیری از اعمال سیاست تورم را به گونه‌ای آشکار

برملا ساخته است.

بررسی حتی اجمالی عملکرد اقتصاد کشورهای پیشرفته صنعتی نیز نشانگر وابستگی فوق العاده شدید کاهش ارزش برابری پول ملی در برابر انواع ارز و نرخ بیکاری است. به این معنا که هراندازه کاهش ارزش پول بیشتر باشد، افزایش حجم بیکاری نیز بیشتر خواهد بود. البته این نتیجه گیری بدست آمده از همبستگی آماری مورد اشاره در صورتی حاصل خواهد شد که عملکرد مربوط در یک دوره ده تا بیست ساله تجزیه و تحلیل شود، زیرا در کوتاه مدت نتیجه عکس مورد ادعاست.

اما در مورد اثر کاهش ارزش برابری پول و به عبارت دیگر قدرت خرید پول در توسعه اقتصادی - اجتماعی، باید یادآور شد که حسب تجربه های به دست آمده این نظریه بکلی شکست خورده است، زیرا با آن که تا اواسط دهه ی هفتاد میلادی هیچگونه نشانه آماری قابل استنادی در این زمینه به چشم نمی خورد، اما به روشنی دیده می شود که در سالهای بعد از نیمه اول دهه هفتاد هراندازه در یک جامعه قیمت ها ثابت تر باشد، بهمان اندازه نیز رشد اقتصادی بیشتر است، بنابراین به طوریکه ملاحظه می شود آنچه از آمار و ارقام مربوط به تحولات اقتصادی دوران گذشته به دست آمده، نشانگر آنست که برعکس نتایج مثبتی که در کوتاه مدت از بکارگیری تورم کسب می شود. تورم در دراز مدت حاصلی جز بدبختی خانمانسوز در پی ندارد.

نکته دیگری که در اینجا اشاره به آن درخور توجه است این که 'دردهای هفتاد میلادی براساس تجربه هایی که در این زمینه بدست آمده بود فلسفه جدیدی به رهبری بانک فدرال آلمان (Deutsche Bundes Bank) اعلام و جایگزین فلسفه یا نظریه استفاده از تورم و به طور کلی بهره گیری از سیاستهای پولی برای هدایت کلان اقتصاد شد. بدین سان بود گفته شد بهره گیری از سیاستهای پولی برای پیشبرد اقتصاد در سطح کلان و تمام نظریه های دلپسند مربوط را بایستی فراموش شده تلقی کرد' (۳). واقعیتی که هم اکنون بر سیاست پولی آلمان فدرال حاکم است و کشورهای دیگری مانند: هلند، بلژیک، اتریش و ... نیز به آن

گرویده اند. براساس این فلسفه است که گفته می شود: 'بهترین پول، پول با ثبات است'، بنابراین 'سیاست پولی قبل از همه باید بر حفظ قدرت خرید پول و پایداری آن استوار باشد و لذا از بکارگیری آن به عنوان ابزار توسعه اقتصادی در سطح کلان باید خودداری شود' (۳).

بهر تقدیر به نظر می رسد اشاره به نمونه ای تاریخی و موفق خالی از فایده نباشد، بنابراین با آگاهی از این واقعیت که ایران را هیچ نظر نمی توان با آلمان فدرال مقایسه کرد و در این نوشته نیز چنین قصدی در سر نیست باید یادآور شد که آلمان فدرال نه تنها از نقطه نظر جغرافیائی بلکه از جهات بسیار واز جمله اوضاع طبیعی، فرهنگی، ساختار اقتصادی - اجتماعی، سابقه و تجربه تاریخی و ... بکلی متمایز و متفاوت از ایران است، اما با وجود این باید پذیرفت که صرف نظر از تفاوت های بر شمرده و بی شمار دیگر، اوضاع اقتصادی ایران نه در حال حاضر و نه حتی بعد از پایان جنگ هشت ساله ایران عراق، هیچگاه و به هیچ وجه در هیچ زمینه ای بدتر از وضعیت آلمان فدرال بعد از پایان جنگ جهانی دوم نبوده و نیست. 'پروفیسور ارهارد وضعیت آلمان فدرال بعد از پایان جنگ جهانی دوم را در مقدمه ای که در سال ۱۹۶۴ به ترجمه فارسی کتاب خود به نام 'رفاه برای همه' نگاشته می نویسد: ... در آن زمان سازمانهای اداری دولتی به کلی درهم پاشیده بود، آلمان توسط قوای نظامی خارجی اشغال شده بود، بیش از ۱۲ میلیون آواره و فراری آلمانی بدون پیشیزی سرمایه به آلمان پناه آورده بودند. مردم از گرسنگی رنج می بردند و براساس سطح تولید سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ هر آلمانی می توانست فقط در طول چهار سال یک دست لباس و در طول ده سال یک پیراهن نو بدست آورد. میلیونها انسان کارآمد در اسارت بسر می بردند، حدود ۴/۵ میلیون واحد مسکونی (یعنی ۲۵ تا ۲۰ درصد مجموع خانه های مسکونی سال ۱۹۳۹) ویران شده و یا خسارت کلی دیده بود. راههای ارتباطی و کارخانه ها نابود شده بود، وسایل کسب خیر از کار افتاده بود، پلهامتهم و تمام کشتیهای تجاری آلمان از بین رفته بود. بر اثر از دست رفتن مناطق شرقی و تقسیم این کشور به چهار منطقه اشغالی موجودیت اقتصادی آلمان از هم پاشیده بود. در شهر برلین پایتخت

سابق آلمان هشتاد درصد از مجموع تاسیسات صنعتی پیاده و به جای دیگری حمل شده بود. اما این وضع نابسامان پس از گذشت تنها چند سال روبه بهبود نهاد. وی در ادامه می نویسد که عوامل موثر در این زمینه رامی توان چنین عنوان کرد:

'کمکهای (۴) مربوط به طرح مارشال که از سال ۱۹۴۷ آغاز شد - اصلاح پول (۵) آلمان در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۴۸ و شرایط مساعدی که این امکان را داد تا قوای خلاصه افراد خود را بسپاریم و بکار اندازیم، مقررات جیره بندی را از میان برداریم و بالاخره ابتکار آزاد را به عنوان ضامن اساسی و غیر قابل تردید باروری و گسترش اقتصادی بشمار آورده، آنرا با پیشرفتهای اجتماعی پیوند دهیم. وی در ادامه می نویسد:

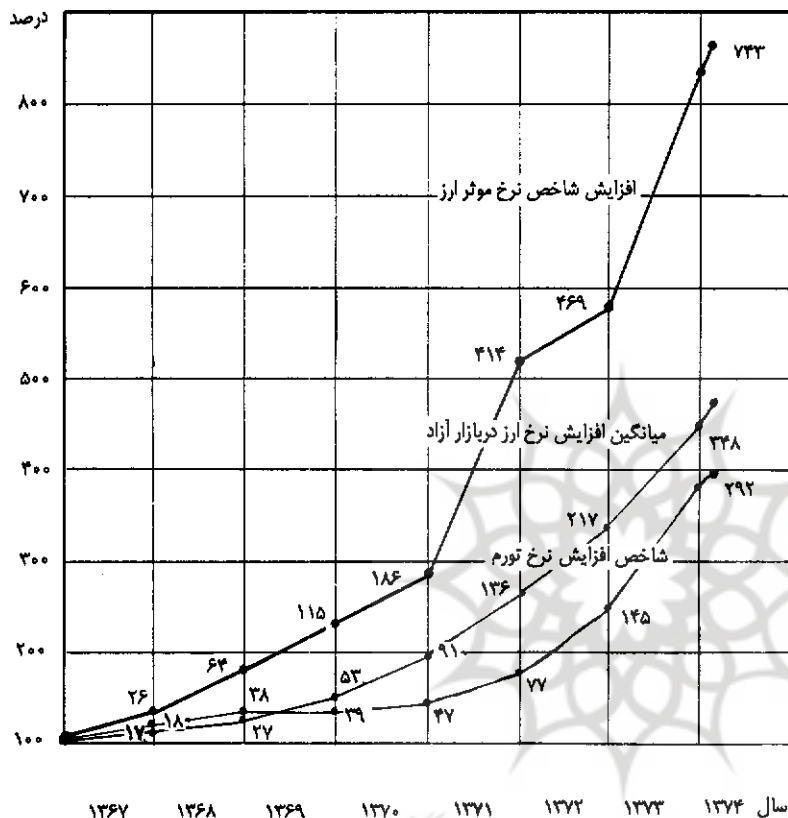
'در چارچوب نظام اقتصادی "بازار آزاد" دولت عهده دار نقش ایجاد نظم است. بدین معنی که دولت موظف است شرایط و زمینه های اساسی را در جهت انجام امور بازار فراهم سازد، زیرا تنها با استعانت از رقابت کامل است که می توان سطح تولید را بالا برد و از این راه برای مصرف کننده مثر مثر واقع شود...'

تفضیل چگونگی بازسازی اقتصاد آلمان در سالهای بعد از جنگ پیش از این طی هشت شماره برای آگاهی و بهره گیری از تجارب آلمان فدرال در نامه اتاق چاپ و نشر شد. انتظار می رفت تجارب آلمان در بازسازی اقتصادی کشور به مصداق 'ره چنان رو که ره روان رفتند' بتواند توشه راه دست اندر کاران و مسئولین اداره امور قرار گیرد اما با نهایت تاسف نه تنها چنین نشد، بلکه در عمل استفاده از تورم بصورت مستقیم و غیر مستقیم در برنامه کار قرار گرفت. در خور توجه اینکه یکی از مظاهر پذیرش تورم اقرار به کاهش ارزش برابری پول ملی در برابر انواع ارز بای اعتباری اعتبار تر شدن پول ملی است که عکس آن نیز صادق است. بهر حال نمودار مقایسه شاخصهای نرخ موثر ارز، میانگین نرخ ارز در بازار آزاد و تورم که حاصل بررسی کارشناسی ویژه در خصوص نرخ موثر ارز و اثر آن بر بردهای خارجی می باشد، نشان می دهد که افزایش شاخص نرخ موثر ارز در مقایسه با افزایش شاخص

نمودار

افزایش شاخصهای نرخ موثر ارز، میانگین نرخ ارز در بازار آزاد و نرخ تورم

در سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ (به نسبت سال ۱۳۰۰=۷۶)



اجرائی کشور در صورت‌های متفاوت ... و در نهایت عدم انطباق استراتژی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریت امور عمومی با یکدیگر استوار بوده و هست. اکنون به نظر می‌رسد بیش از این ضرورت نداشته باشد درباره تثبیت نرخ ارز و به طور کلی ارزش برابری ریال سخنی عنوان شود، زیرا روشن است که با اعلام سیاست ارزی جدید دولت مبنی بر تثبیت نرخ برابری ریال در مقابل دلار، هر دلار ۳۰۰۰ ریال، آنهم با ذکر این نکته که قیمت بایستی زیر ۲۰۰۰ ریال تثبیت شود ضرورت تثبیت نرخ برابری ریال یا قدرت خرید پول ملی در تمامی سطوح برنامه‌های توسعه مورد تأیید قرار گرفته است، لذا با توجه به گفتار کوتاهی که بیش از این نیز در مورد ضرورت تثبیت

در حال باید پذیرفت که در اقتصاد کشور کاستیها و نابسامانیهایی وجود داشته و دارد که به تشدید ناهماهنگی در تعادل اقتصادی منجر شده است. افزون بر این، تردید نیست که پایدار نبودن ارزش برابری پول ملی در برابر انواع پولهای خارجی نمی‌تواند معلول تنها یک علت باشد، بلکه چند ترخی بودن ارز بر پایه‌هایی چند گانه از جمله تشدید ناهماهنگی در اتخاذ سیاستهای پولی - مالی ناپهنگام و نادرست، تصمیمگیریهای شتابزده در نخستین سالهای بعد از ۱۳۵۷ بویژه در دوران حکومت موقت و چندین سال بعد از آن، عدم کارایی در مصرف هزینه‌های بودجه‌ای، برآورد هزینه‌ها، زمان‌بندی برنامه‌ها، مکانیزم و نظام مالیات‌گیری، کاهش ظرفیت

نرخ تورم و بویژه میانگین نرخ ارز در بازار آزاد طی سالهای اخیر در سطحی فوق‌العاده بالا قرار داشته است. به عبارت دیگر در حالیکه افزایش شاخص نرخ موثر تورم طی سالهای ۶۷ تا ۷۴ رقمی در حدود ۲۱۷ و در پایان اردیبهشت ماه ۷۴ نسبت به سال ۶۷ به عنوان سال پایه حدود ۳۴۸ درصد و میانگین نرخ ارز در بازار آزاد در زمانهای مشابه برابر ۱۴۵ و ۲۹۲ درصد افزایش یافته است، شاخص نرخ موثر ارز در زمانهای مورد اشاره به ارقامی حدود بیش از ۴۶۹ و ۷۳۳ درصد افزایش یافته است.

بدین سان ملاحظه می‌شود که دولت در سالهای اخیر برای تأمین کسر بودجه سالانه کل کشور که ناشی از کاستیهای کلان در سیاستهای پولی - مالی و ... بوده و همچنان ادامه دارد، با توجه به ویژگی درآمدهای ارزی کشور در عمل به اعمال سیاست کاهش ارزش برابری پول ملی (ریال) متوسل شده است و روشن است که در این بازی کاهش ارزش پول ملی اگر برنده‌ای وجود داشته، برنده به طور موقت دولت بوده است، در حالیکه زیان حاصل از این بازی بردوش ملت بویژه حقوق‌بگیران و در رأس آنان کارمندان دولت تحمیل شده است. در حالیکه چنانچه دخالت دولت در کاهش نرخ برابری ریال در برابر دلار و به عبارت دیگر کاهش ارزش پول ملی وجود نمی‌داشت نرخ ارزش برابری ریال در برابر دلار به احتمال زیر ۲۰۰۰ ریال می‌بود.

بهر حال برخی باورند که همه کاستیها و نابسامانیهای اقتصادی - اجتماعی و حتی فرهنگی کنونی و تشدید ناهماهنگی در تعادل اقتصادی کشور ناشی از نظام چند نرخ ارز و اعمال سیاستهای پولی - مالی نامناسب دولت در گذشته و بیش از همه در دوران حکومت موقت و سالهای بعد از آن بوده است، در حالیکه برخی دیگری هرگونه وابستگی سیاسی به این یا آن گروه در توجیه اجتناب ناپذیر بودن نظام چند نرخ ارز که اکنون از اظهار نظر درباره آن در می‌گذریم، تشدید ناهماهنگی در تعادل اقتصادی کشور را در نهایت ناشی از ساده‌پنداری اداره امور، ضعف مدیریت عمومی، بویژه در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی و اجرائی کشور و ... می‌دانند.

نرخ ارز چاپ و نشر شد (۶)، تنها پرسش کوتاهی که باقی خواهد ماند و باید به آن پاسخ داده شود، این است که آیا سیاست اعلام شده پایدار و موثر باقی خواهد ماند یا نه؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش با توجه به عملکرد گذشته مسئولین مربوط در زمینه سیاست‌های پولی - مالی منفی باشد. زیرا به طور کلی تثبیت قدرت پول ملی (ریال) که باید راس سیاست‌های پولی کشور قرار داشته باشد، مستلزم تمهیداتی است که برقراری و حفظ آن عهده دولت، بویژه مسئولین امور اقتصادی کشور و گذار است. تکلیفی که انجام آن مسلماً خارج از توان مربوط و شرایط موجود است.

افزون بر آنچه گفته شد باید توجه داشت که در کشوری که گفته می‌شود حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار تعهد خارجی دارد و این تعهدات بایستی از محل درآمدهای حاصل از صدور کالا و خدمات پرداخت شود، روشن است که هر افزایشی در نرخ برابری دلار، صرف نظر از تبعات کاهش ارزش پول ملی (ریال) در برابر انواع ارز اقدامی است در جهت زیان رسانی به اقتصاد کشور به سود شرکت‌های خارجی، زیرا با ۶۰۰۰ ریال افزایش در نرخ برابری دلار در برابر ریال تنها در این محل، رقمی در حدود چهار هزار میلیارد ریال یعنی ۴ هزار میلیارد تومان یا حدود ۱۳ میلیارد دلار به نرخ هر دلار ۳۰۰ ریال، زیان مالی به کشور وارد خواهد شد.

در هر حال چنانچه نظر بر تثبیت ارزش برابری ریال از یکسو، رعایت مشروط پیام‌های ناشی از برنامه پنجساله و سیاست‌های اعلام شده از سوی دولت در خصوص آزادسازی اقتصادی از سوی دیگر، باشد، تردید نیست که در این صورت هرگونه اقدامی با انتظار نتایج مثبت مستلزم رعایت نکاتی است که نادیده گرفتن آنها نه تنها هر اقدامی در این زمینه را در پیشبرد برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور بی‌اثر خواهد ساخت بلکه کشور را با مسائل و مشکلات روزافزون دیگری روبه رو خواهد ساخت که رفع آنها در درازمدت نیز مشکل خواهد بود، در صورتی که با فراهم سازی شرایط لازم و اتخاذ روش‌های درست متضمن مکانیزم‌های قابل اجرا، همانگونه که آلمان فدرال در آن شرایط توانست طی چند سال چنان پیشرفتی را تجربه کند که به "معجزه اقتصادی آلمان" شهرت یافت و با اقداماتی که طی سالهای اخیر برزیزل و برخی کشورهای دیگر انجام

داده‌اند، ایران نیز می‌تواند با تغییر و اصلاح ساختاری لازم و تکیه بر اصول و مبانی علمی - عملی پذیرفته شده و در پیش گرفتن راه درست پیشرفتی درخور تحسین کسب کند. پایان سخن آن که وضع قوانین جدید و بی‌دری نه تنها رافع کاستیهای مدیریتی نخواهد بود بلکه سبب افزایش هر چه بیشتر بار مشکلات فقیر و فقیرتر شدن جامعه خواهد شد.



پی نویسیها:

۱- برگرفته از مقدمه‌ایکه 'پروفسور هارد' برای برگردان فارسی کتاب خود با نام 'رقاه برای همه' ترجمه رستار نوشته و در سال ۱۹۶۴ نشر شده است.

2_Engels Wolfram Ueber die Optimale Inflation Wirtschafts Woche No.1 1/1/1933

۳- منبع شماره (۳)

۴- ارهارد- پروفسور لویدویک - رقاء برای همه - ترجمه رستار- چاپ اکونومیست - تهران

۵- باید توجه داشت که اصلاح یا رفرم پولی عموماً اقدامی مکانیکی یا اداری است که به صورت اضطراری، یا تغییر در واحد پول و یا حتی نام پول همراه است. اقدامی که بیشتر در دوره‌های تورم شدید که ناشی از افزایش حجم نقدینگی و کاهش ارزش پول است اتخاذ می‌شود هدف از این اقدام اعاده اعتماد عمومی نسبت به پول جدید است. هر چند این اقدام لزوماً در پی تغییر در سیاست‌های پولی، اقتصادی یا مبدیه توقف سیر کاهش قدرت خرید پول انجام نمی‌پذیرد اما بهر حال توفیق در آن مستلزم چنین پس زمینه‌ایست. در غیر این صورت پس از فرسایش اعتماد روانی جامعه به پول جدید، آنهم باز به سرنوشت پول قدیمی دچار خواهد شد. اما تثبیت پول اقدامی است که در حد رفرم پولی، رادیکال نیست. در تثبیت پولی، پول رایج همچنان حفظ می‌شود، اما اقداماتی بعمل می‌آید که قدرت خرید داخلی و به ویژه خارجی آن، یعنی نرخ برابری آن با انواع ارز حفظ و یا حتی افزایش یابد. این اقدام ضرورتاً با مجموعه‌ای از سیاست‌ها در زمینه‌های مالی - پولی و بویژه تراز پرداخت‌ها همراه است، زیرا به طور کلی تثبیت پولی تنها در صورت توفیق در مجموعه سیاست‌ها به دست می‌آید. در مورد رفرم پولی باید یادآور شد که گاه با توفیق روبه رو بوده است اما مندر فرم پولی آلمان، بعد از جنگ جهانی دوم (پوگاه) بصورت مکرر ضرورت

می‌یابد (مانند چین در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰) نکته درخور توجه اینکه در مورد تثبیت پول باید گفته شود که سیاست‌های مربوطه قاعده‌تأیی بخشی از وظایف سیاست‌گذاری داخلی و خارجی اقتصادی دولت و اقدامات بانک مرکزی است که بصورت مستمر انجام می‌پذیرد. اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات ویژه برای تثبیت پولی، در شرایط حاد کاهش قدرت خرید پول و بویژه ارزش برابری آن در برابر انواع ارز ممکن است حاوی اقدامات بنیادی در واکنش به شرایط بحرانی باشد.

۶- امیر هوشنگ امینی - ضرورت تثبیت نرخ نرز - تازه‌های اقتصاد - شماره ۳۶ سال ۱۳۷۱ تهران

پدیرش آگهی برای:

۸۳۸۳۳۳
۸۳۸۳۳۴
۸۳۸۳۳۵

فصلنامه و

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

IRAN COMMERCE

ناتق بازرگانی

نامۀ